



آشوری ناتوانی زبان فارسی را ناتوانی سخنگویان زبان فارسی می‌داند. محیط طباطبایی فارسی را پایه وحدت ملی می‌داند. در حالی که صادقی زبان را عامل تعیین‌کننده‌ای در وحدت ملی نمی‌داند. او از کار وحدت ملی را فرهنگ و نظام سیاسی-اقتصادی واحد برمی‌شمرد و زبان را تنها چیزی از فرهنگ قلمداد می‌کند. داوری نیز معتقد است وجود زبان مشترک لزوماً مقدم بر تشکیل یک ملت نیست و چه بسا ملتی به وجود بیاید و زبان مشترک با پیدایش ملت قوام پیدا کند. شادمان وجود پیش از ۱۱ قرن اثر کمبود فارسی را در حفظ زبان فارسی بسیار موثر می‌داند. وحیدزاده معتقد است علت فقر علمی و ادبی ما را باید در تاریخ معاصر جست‌وجو کرد. شهبازی فرهنگ کهن ایرانی و زبان فارسی را از جمله نمادهای هویت ملی می‌داند. سمعی عظمت کار فردوسی را نتیجه آگاهی، ایمان و همت بالای او می‌داند و نیاز شنیدنی به این سه مولفه در کار اصلاح زبان فارسی را گوشزد می‌کند. ربانی نتیجه تحقیق نگرش‌سنجی خود در دانش آموزان ایرانی نسبت به هویت ملی را چنین بیان می‌کند که اعتقاد به هویت ملی ایرانی بین اقوام مختلف ایران با زبان‌های غیر فارسی یکسان است. او معتقد است دانش آموزان، هوشیاری کافی نسبت به هویت ملی نشان ندارند. او جایگاه زبان فارسی میان دانش آموزان را نسبتاً مناسب ارزیابی می‌کند و اعلام می‌دارد که بیش از ۷۰ درصد دانش آموزان شاغلان را سبند هویت ملی می‌دانند. اما در عین حال اعلام می‌دارد که ۶۰ درصد دانش آموزان نسبت به انتخاب نام‌های خارجی بی‌میل نیستند.

#### زبان به‌عنوان ابزار

زرنیخی به زبان با نگاهی ابزار می‌نگرد و آن را مهم‌ترین ابزار و رسانه برای بالابردن آگاهی‌های مردم می‌داند و در این میان به اهمیت این نکته که در کشورهایی که زبان رسمی، زبان مادری ساکنان آن کشور باشد، امر توسعه آسان‌تر محقق می‌شود، اشاره می‌کند.

#### نگرش در باب متولیان زبان فارسی

در باب متولیان زبان فارسی می‌توان به نظر تقی‌زاده و خانلری اشاره کرد که متولی زبان فارسی را نویسندگان می‌دانند. محیط طباطبایی با بیان کلی‌تری متولیان زبان فارسی را افرادی می‌داند که در حد کمال با مبدی و میانی و اصول زبان فارسی آشنا هستند. از طرف دیگر، شوشتری روشنفکران جامعه را مسئول زبانی می‌داند. افشار، مالکان و نگاهبانان زبان فارسی در گذشته را علما، شعرا، ادبا و عرفا می‌داند و به سبب سیلاب مفاهیم جدید، متولیان امروزه زبان فارسی را مدارس و دانشگاه‌ها یا فرهنگستان می‌داند. حق شناس نیز به این تغییر اشاره کرده و اعلام می‌دارد که نوآوری زبانی تاکنون



در شمار اختیارات شاعری بوده است. اما امروز اگر چه این اختیار از شاعر گرفته شده است به زبانشناس، دانشمند و صنعتگر هم داده شده است. فرشیورد، آینده زبان فارسی را در دست ترجمه‌گران می‌داند. او عالمان، دانشمندان و نویسندگان کتاب‌های علمی و فنی را نیز در این امر دخیل می‌داند. ناصری، زبان فارسی را بی‌صاحب و بی‌سرپرست اعلام می‌کند. امام‌ستول واژه‌سازی در فارسی را محققان، مترجمان، ادبا و دیگر علاقه‌مندان می‌داند. استدلال او بر این مبناست که همه افراد را نمی‌توان در فرهنگستان جمع کرد و ضمناً نباید آنها را در انفعال قرار داد. ایرانی، سرنوشت آتی فارسی را در دست رسانه‌های همگانی می‌داند و سمعی، ضمن تأیید این مطلب، متولی اصلی زبان فارسی را سازمان‌های آموزشی می‌داند. فروغی، به مسأله مقبولیت ابداعات از جانب مردم اشاره می‌کند. او معتقد است که ایرانیان با زبان فارسی بیگانه‌اند و شدیداً بر ضرورت تربیت ملت و جلب همکاری عموم تأکید می‌کند. محبوب نیز به جهت مرکب مردم اشاره می‌کند و می‌گوید مردم، فارسی نمی‌دانند حال آن‌که تصور می‌کنند می‌دانند. محیط طباطبایی ضمن تأکید بر نقش مردم در محافظت از زبان، وظیفه مشترک همه مردم در قبایل زبان فارسی را تحصیل، تکمیل و تعلیم متن زبان می‌داند. افشار، به انتشار جزوه «پیشنهادهای شمشادچیت»؟ توسط فرهنگستان اشاره می‌کند و این را نشانه توجه این سازمان به ضرورت آگاهی از عقاید مردم ایران نسبت به زبانشناسی می‌داند و مردم ایران را «بلوفایان به زبان فارسی» می‌نامد. حق شناس از وجود روحیه ضد واژه‌سازی در ایرانیان سخن می‌گوید و معتقد است که حاکم‌بودن این روحیه هر گونه نوآوری زبانی در امر واژگان را برای ما هراس‌انگیز می‌کند. کسروی اعلام می‌دارد که پیراستن زبان فارسی جز در سایه همدستی توده انبوه مردم شدنی نیست. خانلری، در مرور تاریخ زبان فارسی، حفظ زبان فارسی را در زمان استیلای بیگانگان مدیون تمایلات اکثریت مردم می‌داند. آشوری، کار اصلاح زبان را نیازمند همکاری همیاری، احساس مسئولیت جمعی و بسیج توان‌ها و نیروهای می‌داند.

#### فرهنگستان‌ها

آری این محققان در باب فرهنگستان‌ها به قرار زیر است: فروغی، وظیفه فرهنگستان را به دست دادن راه اصلاح و تکمیل زبان و ادبیات ایرانی و تصفیه و اصلاح زبان فارسی می‌داند. دستگردی، معتقد است که فرهنگستان اول فارسی را فانسد کرده است. خانلری، با واژه‌سازی‌های فرهنگستان مخالف می‌کند و معتقد است که فرهنگستان به‌جای انجام وظایف اصلی‌اش یعنی تألیف دستور جامع و کتب علمی و ادبی و فنی و ترجمه و تحقیق در گویش‌ها، به

به آن پرداخته‌نشده، مشکل کمبود واژگان است. در این حوزه، فروغی از جمله مشکلات زبان فارسی را «فقر اصطلاحاتی» می‌داند. خانلری، ضمن تأیید این مطلب به مشکل دیگری تحت‌عنوان «فقر در اوصاف» اشاره می‌کند. خواجه‌نوری به کمبود واژگان زبان فارسی اشاره می‌کند و آن را ناشی از تنبلی می‌داند. هویدا، کمبود واژگان در زبان فارسی را ضعف زبان نمی‌داند بلکه آن را «دلیل تنرم» زبان می‌داند.

#### قرض‌گیری واژگانی

در باب مفهوم قرض‌گیری به‌عنوان یکی از مشکلات زبان فارسی، رحیم‌زاده‌سفوی، قرض‌گیری زیاده از حد را از جمله مشکلات زبان فارسی می‌داند. فروغی نیز با این امر مخالف است و دلیل آن را این می‌داند که قرض‌گیری زیاده از حد باعث نازآشیدن دستگاه صرف فارسی می‌شود. باطنی با قرض‌گیری زیاده از حد مخالف است، چرا که معتقد است این کار شفافیت واژگان زبان را کم کرده و باعث فرسودگی ابزارهای واژه‌سازی و ایجاد نوعی تنبلی ذهنی می‌شود. ضمناً او معتقد است، یادگیری واژگان نیز دشوار می‌شود. صادقی نه تنها قرض‌گیری را نشان ضعف و فقر زبان نمی‌داند؛ بلکه آن را دلیل قدرت و حیات یک ملت تلقی می‌کند. با این وجود، موفق قرض‌گیری افراطی نیست. فروغی، یکی دیگر از مشکلات زبان فارسی را آمیختگی به عربی می‌داند و معتقد است، عربی‌های اضافی را باید از زبان خارج کرد. امام‌شوشتری، نفوذ عربی در فارسی را یکی از مشکلات زبان فارسی می‌داند؛ مخصوصاً با واژه‌های سنگین عربی به‌شدت مخالف است و در عین حال عربی‌زدایی را نه ممکن و نه معقول می‌داند. باطنی، اگر چه معتقد است واژه‌های عربی، فارسی را غنی کرده‌اند، انذاع می‌دارد که باعث زنگار گرفتن روحیه واژه‌سازی شده‌اند. حق شناس نیز همین عقیده را دارد و واژه‌های تیره و باری سنگین بر حافظه می‌داند و استفاده از منبع حاضر و آماده عربی را موجد نوعی روحیه ضد واژه‌سازی در ایرانیان می‌داند. کسروی، وجود واژه‌های عربی را مشکل بزرگ زبان فارسی می‌داند اما در عین حال عربی‌زدایی و به‌طور کلی بیگانه‌زدایی را فقط بخشی از پیراستن و آراستن زبان فارسی می‌داند.

#### قرض‌گیری نحوی

رحیم‌زاده‌سفوی، اقبال، محیط طباطبایی، امام شوشتری، صادقی، نجفی، فرشیورد و ایرانی، ورود دستور زبان‌های خارجی به فارسی از طریق ترجمه را از مشکلات زبان فارسی قلمداد می‌کنند. در این میان، صادقی به گرت‌تبداری لغوی، صرفی و نحوی رادیو و تلویزیون اشاره می‌کند. نجفی، خطر اصلی متوجه زبان فارسی را همین مشکل می‌داند. فرشیورد اضافه می‌کند که ترجمه باید صیغهای از آزادی داشته‌باشند و ایرانی، بر ضرورت حفظ ساختارهای نحوی زبان فارسی تأکید می‌کند.

و تصور نادرست آنان مبنی بر علم بدان و در نتیجه، سهل‌انگاری و بی‌اعتنایی به آموزش زبان فارسی را خطری بزرگ می‌داند. وحیدزاده، عدم آشنایی نویسندگان به قواعد و اصول زبان را خطری جدی تلقی می‌کند. امام‌شوشتری صریحاً زبان فارسی را زبانی عقب‌مانده اعلام می‌دارد و از جمله خطرات متوجه آن را ابهام معانی، هرج و مرج صرفی و نحوی، روشن نبودن تجوید و تلفظ، نفوذ زبان‌های اروپایی، ترجمه‌های تحت‌اللفظی، هجوم نام‌های فنی و صنعتی بیگانه، نازآشیدن صرف فارسی، دشواری یاد گرفتن زبان فارسی می‌داند. باطنی معتقد است، هنوز این حقیقت را درک نکرده‌ایم که یادگیری زبان از نوع یادگیری مهارتی است و نه یادگیری خبری. گل‌گلاب، ترجمه‌های سب و مخصوصاً ترجمه‌های روزنامه‌نگاران را بسیار خطرناک می‌داند. صادقی، اصرار بر خارج کردن لغات قرضی رایج و قطع ارتباط با گذشته زبان را از جمله خطرات متوجه این زبان می‌داند. نجفی نیز نگران است که با این تحول سریع، زبان گذشتگان مهجور می‌ماند و موجب قطع رابطه با سنت فرهنگی می‌شود. نگرانی دیگر او مختل شدن امر ارتباط در میان مردم است. در عین حال، او خطر اصلی را گرت‌تبداری و بالاخص از نوع معنایی و نحوی آن و نه در واژه‌های عربی می‌داند. آشوری معتقد است که چند دهه‌ای است فارسی گرفتار بحران شده و این بحران را با بحران‌های اجتماعی و تاریخی مرتبط می‌داند. فرشیورد، مهم‌ترین مسأله زبان فارسی را بی‌سروسامانی وضع ترجمه و مسئول این امر را دانشگاه‌ها و معلمان ادبیات فارسی و بی‌توجهی آنان به فارسی معاصر می‌داند. پورجوادی مهم‌ترین خطر اقبال با استعدادترین دانشجویان به‌رشته‌های پزشکی و مهندسی و بی‌ربغیتی آنها به دانشکده‌های زبان و ادبیات قلمداد می‌کند. او به فقر علمی موجود در سیستم آموزشی از حیث کتاب‌های درسی آیین نگارش و اسنادتید واجد صلاحیت این درس اشاره می‌کند. پورجوادی، خطر دیگر را ضایع شدن حق نویسندگان و مترجمان خوب و زبان‌دان می‌داند. ایرانی، بز گرت‌تبداری خطر را از سوی رسانه‌های همگانی می‌داند. سمعی نیز بر این باور است که رسانه‌ها در امر زبان بسیار آسان‌گیرند. او نگران است که نسل‌های آینده چه‌سپاس جوانان امروز از فهم گلسنتان و بوستان عاجز شوند. سمعی، زبان رسانه‌ها را تقلیدی از زبان عامه‌زبان می‌داند و از جمله مشخصه‌های زبان رسانه‌ها را به کاربردن کلمات و تعبیرات مهجور، سره‌گرای، استفاده از تعبیرات قالبی، گرت‌تبداری و مبالغه می‌داند. از سویی دیگر، نجفیی اعلام می‌دارد که از اواخر قرن سیزدهم تا عصر او، فارسی پیشرفت کرده است. شوشتری نیز نسبت به اصلاح زبان فارسی اظهار امیدواری می‌کند.

در سبب فارسی به‌عنوان زبان علم، شهادمان

#### از تحمیل لغات بر مردم باید جلوگیری کرد و فقط باید مردم را در معرض واژه‌های ساخته‌شده قرار داد

❖ **اقبال**، برای حفظ زبان فارسی به‌عنوان زبان رسمی کشور، ترویج آموزش زبان فارسی در دیگر کشورها را ضروری دانسته و توجه بیش از حد به گویش‌ها و زبان‌های دیگر را بیهوده و مضر با شأن زبان فارسی اعلام می‌کند. او تقویت زبان فارسی را مقدم بر پرداختن به گویش‌ها و زبان‌های رایج دیگر می‌داند.

❖ **در اوایل قرن بیستم ملل مشرق بی به عقب‌ماندگی خود بردند و کوشیدند که این عقب‌ماندگی را جبران کنند.** موانع زیادی سر راه این کوشش‌ها وجود داشت و چاره را در پذیرفتن یکی از زبان‌های خارجی برای بیان مطالب علمی آماده یافتند. بعضی ملل چاره را در پذیرفتن یکی از زبان‌های خارجی برای بیان مطالب علمی دیدند مانند هندوستان و ملل دیگر به واسطه داشتن میراث بزرگ فرهنگی نتوانستند این راه‌حل را بپذیرند که یک مثال آن کشور ایران است.

❖ **از جمله مسائلی که در حوزه برنامه‌ریزی پیکره به آن پرداخته نشده، مشکل کمبود واژگان است.** در این حوزه، فروغی از جمله مشکلات زبان فارسی را «فقر اصطلاحاتی» می‌داند. خانلری، ضمن تأیید این مطلب به مشکل دیگری تحت‌عنوان «فقر در اوصاف» اشاره می‌کند. خواجه‌نوری به کمبود واژگان زبان فارسی اشاره می‌کند و آن را ناشی از تنبلی می‌داند. هویدا، کمبود واژگان در زبان فارسی را ضعف زبان نمی‌داند، بلکه آن را «دلیل تنرم» زبان می‌داند.

#### آیا فارسی در خطر است؟

اما در مورد در خطر بودن فارسی، اقبال، فروغی، خانلری، محیط طباطبایی، محبوب، وحیدزاده، امام‌شوشتری، باطنی، امیری فیروز کوهی، صادقی، نجفی، آشوری، فرشیورد، پورجوادی و سمعی، به‌صراحت یا ضمنی، فارسی را در خطر می‌دانند. فروغی از جمله خطرات متوجه زبان فارسی را ورود الفاظ بیگانه غریزاً، وجود ترجمه‌های غیر قابل فهم و وارد شدن افراد کم‌مایه در کار زبان می‌داند. خانلری، این که «ماتر گذشته در ادبیات، حاکم مطلقند» را خطری متوجه زبان فارسی می‌داند. محیط طباطبایی، غفلت ایرانیان از قابلیت‌های زبان فارسی را خطر تلقی می‌کند. محبوب، عدم علم مردم به زبان فارسی

بستان و اوستا و فارسی میانه در زمان خود نیز زبان دین و کشورداری بوده است و نه زبان علم، ناصری، زبان علم در فارسی را زبانی ملمعمی می‌داند. او به وجود دو زبان علم قابل است؛ یکی برای علم مردم (که باید فارسی باشد) و دیگری برای متخصصان (که به عقیده او نمی‌توان آن را فارسی کرد). زرنیخی اعلام می‌دارد که صرف واژه‌سازی تخصصی، توسعه علمی به دنبال نمی‌آورد.

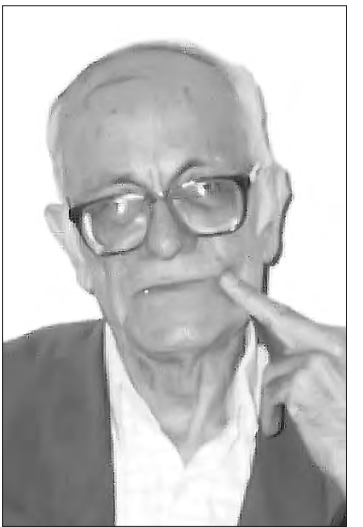
#### نگرش در باب راه‌حل‌های مشکلات زبان فارسی

در سخن از راه‌حل‌های مشکلات زبان فارسی، رحیم‌زاده‌سفوی، قرض‌گیری را یکی از راه‌حل‌های مشکل کمبود واژگان تلقی می‌کند، او یادآور می‌شود که باید واژه‌های قرضی را تحت قواعد فارسی در آورد. اقبال و فروغی نیز با قرض‌گیری موافق‌اند. البته فروغی قرض‌گیری را تنها محدود به الفاظ بین‌المللی و نام‌اشیای مادی می‌کند. تقی‌زاده ضمن تأیید قرض‌گیری اعلام می‌دارد که واژه‌های لاتین رایج در زبان را نباید از زبان بیرون کرد. ضمناً همچون فروغی به ضرورت حفظ صورت اصلی اسمی‌ها نیز تأکید دارد. نجفیی، در دفاع از قرض‌گیری، عاریت‌گرفتن را بر سرمایه افزودن می‌خواند. خواجه‌نوری قرض‌گیری را به‌جای می‌داند مشروط بر این که واحد زبانی رسا، خوش‌آهنگ و سلسل‌گار با روح دستور زبان فارسی باشد. امام‌شوشتری نیز ضمن موافقت با قرض‌گیری اعلام می‌دارد که پس از قرض‌گیری، باید واژه را از نظر آوایی و ساختاری با فارسی مطابقت داد و پیش از قرض‌گیری مطمئن شد که واژه قرضی هیچ جایگزینی در زبان فارسی یا زبان‌های فارسی‌بستانی و پهلوی ندارد. گل‌گلاب نیز ضمن تأیید قرض‌گیری، به نزدیک کردن تلفظ واژه به تلفظ فارسی اشاره می‌کند. صادقی قرض‌گیری را تأیید می‌کند و اصرار بر خارج کردن لغات خارجی رایج را باعث خراب شدن زبان می‌داند. او وجود لغات مشترک بین زبان‌ها را صرفه‌جویی در وقت و پول می‌داند، نیز اعلام می‌دارد که پذیرش لغات عربی و ترکی در فارسی هرگز به زور شمشیر نوداست.

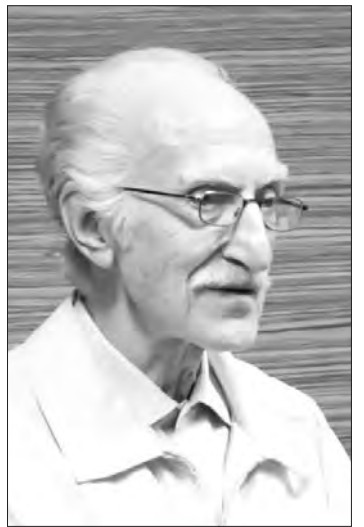
#### تثبیت شأن فارسی به‌عنوان زبان رسمی

اقبال که ظاهراً مشکل زبان فارسی را تثبیت و گسترش آن در سطح کشور به‌عنوان زبان رسمی می‌داند، پیشنهاد می‌کند دولت مجلیه به زبان‌های اقلیت‌های زبانی ایرانی چاپ و در آنجا هم مردم را به یادگیری زبان فارسی تشویق کند. او معتقد است که بین غلبه یک زبان و قدرتمند بودن اهل آن زبان ارتباط مستقیم وجود دارد. پیشنهاد دیگر، او حفظ زبان از تعرض بی‌سوادان و لغت‌سازان است. نیز معتقد است باید زبان دستگاه‌های خبرگزاری اصلاح و کتب فصیح و بلیغ فارسی طبع و نشر شود. او کمک به مستشرقین در انجام تحقیقات در باب زبان فارسی را سودمند ارزیابی می‌کند و به مسأله تبلیغ زبان فارسی توجه ویژه‌ای دارد. فروغی که مشکل زبان فارسی را آمیختگی با زبان‌های عربی می‌داند، نقش معلمان فارسی مدارس در اصلاح این امر را بر جسته‌ترین نقش معرفی می‌کند. چاپ کتاب‌های تازه برای جوانان و نوجوانان را ضروری دانسته و توصیه می‌کند که شعر فارسی به سبب کمتر بودن میزان کلمات قرضی در آن، الگوی فارسی‌نویسی قرار گیرد. به عقیده او، هر تعبیری که قرار است در زبان اعمال شود باید تدریجی باشد. نیز، ایرانیان باید ذهن خود را به فارسی مأنوس کنند تا کم‌کم قوه ابداغ در زبان را بیابند. او معیار آموزش زبان فارسی تأکید می‌کند و اصلاح وضع ترجمه را املا ضروری می‌داند. تقی‌زاده پیشنهاد می‌کند که فرهنگستانی‌الگوگیری از مصر و سوریه تشکیل شود. خانلری برای بهتر شدن وضع زبان فارسی توصیه می‌کند که نویسندگان، دنیای درون و بیرون را به چشم خود بنگرند. به علاوه به یکی از مشخصه‌های زبان فارسی که در واژه‌سازی باید به آن توجه شود اشاره می‌کند و آن این است که فارسی، بسیار کلمات کوتاه و نیز، زبانی با قابلیت ترکیب سطح ابتدایی و توجه به طرز ترکیب‌بندی جملات را ضروری می‌داند. محیط طباطبایی معتقد است که برای توسعه زبان فارسی باید به بالا بردن کیفیت ابزاری زبان توجه داشت. او نقش ابزاری زبان را موجد نقش عاطفی می‌داند. محبوب، بر لزوم آموزش زبان فارسی تأکید می‌کند. امام‌شوشتری نیز آموزش زبان فارسی و آشنایی مردم با آن را ضروری دانسته و پیشنهاد می‌کند که واژه‌های عربی ناهماهنگ با فارسی از این زبان حذف و قواعد واژه‌سازی فارسی بسط داده شود. او توجه به امر ترجمه را بسیار ضروری دانسته و نزدیک کردن زبان گفتار و نوشتار و در نتیجه جلوگیری از به وجود آمدن دو زبان‌گونگی را حایز اهمیت تلقی می‌کند.

اندامه دارد



❖ سسرو فرشیورد



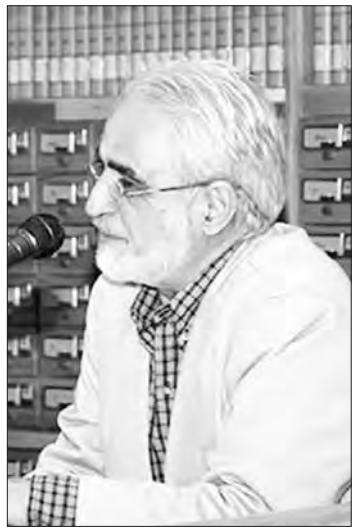
❖ ابوالحسن نجفی



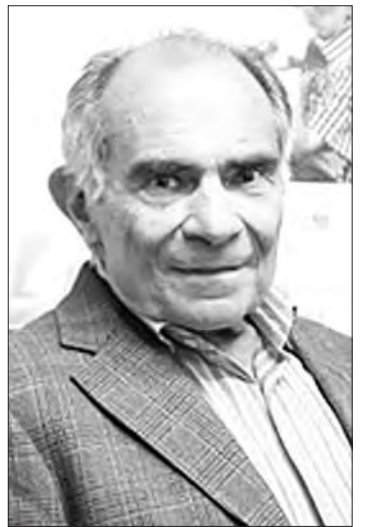
❖ علی‌محمد حق‌شناس



❖ احمد سمعی



❖ پورجوادی



❖ محمد رضا باطنی